





فهرست

- ۶..... مقدمه
- ۸..... ارکان تربیت
- ۱۶..... دوره اول تربیتی (از انعقاد تا ۷ سالگی)
- ۱۷..... دوره دوم تربیتی (از ۷ تا ۱۴ سالگی)
- ۱۸..... تعاملات
- ۱۹..... مفهوم حق تربیت فرد و جامعه
- ۲۰..... ابزار های حاکمیتی برای اعمال حق تربیت
- ۲۰..... نقش خانواده در تحمل با حاکمیت
- ۲۰..... وظایف نهادهای مردمی نسبت به خانواده
- ۲۱..... وظایف خانواده در تعامل با نهاد های مردمی
- ۲۲..... وظایف نهاد مردمی در حاکمیت
- ۲۴..... حرف آخر
- ۲۷..... اشاره های متن





بسم الله الرحمن الرحيم

جزوه پیش رو با عنوان "مجموعه فرهنگی و تعامل با خانواده" محصول گفتگوی جمعی از بزرگواران فعال در مجموعه های تربیتی دخترانه شهر اصفهان در میزهای گفتگو که به همت کارگروه تربیت ستاد جبهه فرهنگی انقلاب در تابستان ۹۷ تشکیل گردید میباشد.

طی چهار میز گفتگو تعدادی از فعالان تربیتی نظرات، تجربیات و دغدغه های خود را جمع به جایگاه خانواده در فعالیتهای فرهنگی و اصول و ملاحظات تعامل با خانواده را بیان نموده اند.

در خلال این رویداد یک جلسه تجربه نوردی باحضور دو مجموعه کوثر و مرکز احیاء اندیشه و سیره علوی جهت آشنایی با یک کار پژوهشی در حوزه تربیت دختر نوجوان برگزار گردید.



به امید اینکه این تلاش کوچک مورد استفاده عزیزان قرار گیرد. لازم به ذکر است این جزوه صرفاً جهت اشتراک دانش و تجربه بدست آمده با همه عزیزان فعال در عرصه های تربیتی است و مسلماً در آینده با تلاش و همت شما بزرگواران تکمیل و پر بارتر خواهد شد.

همان طور که برصاحب نظران امر پوشیده نیست، توجه به نقش و جایگاه خانواده در تربیت فرزندان نکته ای بسیار مهم است، بخصوص امروزه بحث تربیت دختران بنا بر اقتضائات مخاطب اولویت دارد.

در بسیاری از آیات قرآن به اهمیت خانواده اشاره شده است.
وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ
وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (سوره فرقان)
وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ
بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (سوره
روم)

همچنین امام علی علیه السلام بهترین ارث پدر ب راى فرزند را ادب و تربیت میدانند اگر پدر را سبمل خانواده در نظر بگیریم توجه به امر تربیت فرزندان وظیفه ی مهمی است که بر عهده خانواده است.

امام خمینی(ره) می فرمایند: بانوان باید معلم باشند برای فرزندان خود، پدران باید معلم باشند، خانواده مدرسه باشد. رهبر انقلاب(حفظه ا...) می فرمایند: خانواده بنیاد بسیار مهمی است برای تربیت، فایده خانواده در تربیت نسل بشر و ایجاد نسل های صالح از نظر معنوی و فکری و روانی یک فایده



منحصر به فرد است هیچ چیز جای خانواده را نمی گیرد وقتی که نظام خانواده وجود داشته باشد این میلیارد ها انسان دو موکل و دو پرستار دارند.

هم اکنون سوال این است آیا یک مجموعه فرهنگی به نقش خانواده در ارتباط با فرزندش توجه میکند؟ علت این توجه یا عدم توجه نهادها و مجموعه های فرهنگی به حضور خانواد و نقش آن در تربیت فرزندشان چیست؟ تعامل یک مجموعه با اهداف تربیتی با خانواده چگونه باید باشد؟ آیا اصلا لزومی برای ارتباط گیری بین مجموعه فرهنگی و نهاد خانواده وجود دارد؟

تعریف تربیت: زمینه سازی برای تحقق تکوین و تعالی هویت مجموعه اقداماتی که زمینه شکل گرفتن، ارتقاء و تعالی هویت تربی را فراهم میکند را تربیت می نامیم.

افرادی که باید این زمینه ها را شکل بدهند و مسئولیت اصلی را برعهده دارند ارکان می نامیم. لذا منظور از ارکان تمام عناصر اثرگذار نیست صرفا عواملی است که مسئولیت اصلی در این زمینه دارند و اگر مسئولیت خود را به درستی انجام ندهند فرآیند تربیت درست محقق نمی شود.

ارکان تربیت شامل :

* خانواده

خانواده نخستین رکن تربیت نقش اساسی در رشد و تحول فرزندان را دارد از لحاظ تکوینی فرزند محصول خانواده است و در شکل گیری شخصیت فرزند موثر است. خانواده یک وظیفه



تشریحی هم در قبال تربیت فرزند دارد که آنقدر بر آن تاکید شده که مورد اجماع اکثر افراد است. دلسوزی و انگیزه خانواده برای تربیت فرزند ویژه است. البته وظایف تربیتی خانواده منحصر در والدین نیست بلکه تمام افراد خانواده را در بر می‌گیرد.

* حاکمیت اسلامی

صورت تفصیل یافته تربیت دینی و عینیت اجتماعی شده است.

همان جریان ولایت است که از خدا آغاز شده به پیامبر و امام رسیده و در زمان غیبت به ولی فقیه می‌رسد این ولایت وقتی بخواهد در جامعه تفصیل یابد و عینیت اجتماعی به خود بگیرد نام آن حاکمیت اسلامی می‌شود.

منظور از حاکمیت اسلامی شخص ولی فقیه یا معصوم نیست. رسالت حاکمیت اسلامی زمینه‌سازی تحقق حیات طیبه در تمام ابعاد آن با هدف تکامل افراد جامعه اسلامی است ماهیت حاکمیت اسلامی ماهیت تربیتی است در مقابل فلسفه‌های دیگر که ماهیت حکومت را ایجاد رفاه یا عدالت می‌داند در این مدل ماهیت حاکمیت تربیتی در نظر گرفته شده است که متناسب با وسع و ظرفیت تربیتی افراد جامعه و وظیفه تربیتی دارد مثلاً وظیفه حاکمیت جامعه اسلامی در قبال کودک و نوجوان که وسع تربیتی بیشتری دارد بیشتر است.

آنچه برای حاکمیت اسلامی موضوعیت دارد تحقق اهداف تربیت است یعنی افراد تربیت شده‌ای در جامعه به وجود



آورد، لذا خود فرایند تربیت برای حاکمیت موضوعیت ندارد بلکه تحقق اهداف تربیت موضوعیت دارد پس ضرورت ندارد خود حاکمیت مجری این تربیت باشد. با این حال وقتی حاکمیت اسلامی به دنبال تحقق اهداف تربیتی باشد این امر منجر به ارزش بخشی و هویت بخشی به اهداف تربیتی خواهد شد.^۱

*** نهادهای مردمی:** خلیفه به مفهوم "انی جاعل فی الارض خلیفه...." کسی که خداوند تکلیفی بر عهده او قرار می دهد و وظیفه تربیتی دارد. ماهیت خلافت ماهیت تشکیکی است یعنی افراد به میزانی که صلاحیت خلیفه‌گی دارند، تکالیف تربیتی برای آنها و بر عهده آنهاست. به این معنا تمام افراد جامعه باید به میزان استعداد وجود و علم و مهارت تربیتی در فرآیند تربیت درگیر شوند.

به نظر می رسد درجه خلافت که به دنبال آن درجه تکلیف تربیتی مشخص میشود متناسب با توانمندی ها و اختیارات افراد است. هر چه افراد عالم تر و توانمند تر باشند تکلیف بیشتر دارند. اگر کسی هم عالم نباشد ولی مهارت و توان کسب را دارد باید آن را کسب کرده و بر اساس میزان آن تکلیف پیدا می کند.

سطح برخورد مردم در قالب نهاد های مردمی (مجموعه های فرهنگی) با مسئله تربیت در دو سطح است .



۱) سطح عمومی: فعالیت هایی که منجر به رشد افراد مختلف جامعه میشود. مثلاً رزق حلال و گسترش آن در جامعه که راه غیرمستقیم تصحیح کننده امر تربیت است.

۲) سطح تخصصی: مواجهه مستقیم با متریان اگر هر کدام از ارکان ورود به امر تربیت نداشته باشند یا ورود نادرست داشته باشند امر تربیت ناقص می ماند، پس این پرسش که متولی اصلی فرآیند تربیت کیست مفهوم ندارد هر سه رکن مسئول تحقق اهداف تربیت هستند.

* شبکه:

عبارتست از مجموعه‌ای از اجزا که در راستای دست یافتن به اهداف واحد با هم در ارتباط اند بنابراین شبکه از مجموعه اجزاء بزرگتر است.

فواید شبکه شدن:

هم افزایی: تعاملات و روابطی که بین شبکه اتفاق می افتد مجموعش از تاثیر تک تک اجزا بیشتر است که به این ویژگی هم افزایی می گویند. هم افزایی باعث می شود تاثیر سه رکن با هم از مجموعه تاثیرات جداگانه هر کدام بیشتر باشد.

حرکت افزایی: اگر هر کدام از ارکان تربیت درست به وظایف خود بپردازند نه تنها ارکان دیگر را به حاشیه نمی برد بلکه آنها را قوی تر وارد شبکه می کند و زمینه ورود بیشتر را فراهم می کند.



اگر هر کدام از ارکان نقش خود را ایفا نکنند عده ای از مردم جامعه باید آن فضا را در دست گرفته و مسئولیت آن را بر عهده بگیرد.

از این مبانی نظری می توان با توجه به اقتضائات زمان و مکان الگوهای عملی متعدد ارائه کرد که با این مبانی قابل سنجش هستند.

چه بسا یکی از دلایل مهم برای شکل گیری مجموعه های تربیتی نیازی است که بر اثر انجام نشدن کامل وظایف از سوی ارکان تربیت در جامعه شکل گرفته است. یک مرکز فرهنگی - تربیتی به فراخور توانایی هایش به صورت مستقیم با مخاطب هدف مرتبط شده و در راستای تحقق اهداف مد نظر فعالیت می کند. با توجه به مجموع نکاتی که تا اکنون بیان شد این سوال مطرح می شود:

سوال دوم: ارتباط و تعامل یک مجموعه فرهنگی با خانواده های مخاطبینش چگونه است؟

شاید مناسب باشد پیش از پرداختن به این سوال به دو سبک توجه به خانواده در نقشه تربیتی مجموعه، اشاره کرد:

خانواده گرایی: گاهی منظور ما از مطرح کردن بحث خانواده در مجموعه های فرهنگی صرفا آگاه شدن متربی به نقش و جایگاه خود در نظام خانواده است در حدی که با مفهوم تکوینی، تشریحی و حقوقی خانواده آشنا شود. و یا حضور خانواده را فقط برای آگاه شدن از آنچه در مجموعه فرهنگی اتفاق می افتد لازم میدانیم.



خانواده محوری: گاهی رویکرد این است که خانواده بستر تربیتی اصلی فرزند است و از آن جهت که متولی اصلی تربیت محسوب میشود باید مسئولیت پذیر باشد و نباید با حضور یک مجموعه فرهنگی خود را از این جریان حذف کند و مجموعه فرهنگی هم باید با این نگاه به کار فرهنگی خود بپردازد.

در گفتگو با تعدادی از فعالان در مجموعه های فرهنگی در مورد نسبت وظایف خانواده و مجموعه های فرهنگی و تعاملات این دو رکن در امر تربیت نکات زیر مطرح شد:

۱- نسبت تعامل خانواده و مجموعه با توجه به مخاطب و اهداف متغیر است. بهترین حالت این است که مجموعه فرهنگی با خانواده همدل، همفکر و همزبان باشد. لازم است این ارتباط وجود داشته باشد و حفظ شود.

۲- شکاف بین خانواده و فرزند که به دلیل اختلاف نسل و اقتضانات نوجوانی است با حضور یک مجموعه کمتر میشود. فعالیت فرهنگی مجموعه در کنار خانواده در صورت هم جهت بودن با یکدیگر ریشه دار تر و ماندگار تر میشود. از طرفی حضور خانواده در فعالیتهای مجموعه باعث کاهش هزینه های اقتصادی و اجتماعی خواهد شد.

۳- در سه شاخه ممکن است لازم باشد خانواده با مجموعه فرهنگی مرتبط باشد:

- متقاعد سازی خانواده و در جریان اهداف مجموعه بودن برای همکاری های مورد نیاز
- تنظیم روابط درون خانوادگی در بعد تربیتی فرزند، اهمیت روابط پدر و مادر و فرزند و روابط درون خانوادگی



• خدمات مشاوره ای به خانواده و نوجوان : از آن جهت که شرایط فکری و اعتقادی خانواده بسیار مهم است و گاه این شرایط در تناقض یا تعارض با آموزش‌های مجموعه فرهنگی است لذا توجه به آن باید مورد نظر باشد. از آن جهت که شاید در خانواده تغییر اخلاقی و اعتقادی شاخصی نتوان ایجاد کرد، بهتر است مجموعه فرهنگی وارد خدمات مشاوره ای شود.

نکته ای که در پاره ای موارد می توان آن را به عنوان یک آسیب بررسی کرد این است که ،ارتباط موثر مخاطب با سرگروه در مجموعه فرهنگی باعث کم‌رنگ شدن روابط نوجوانان با خانواده می گردد و این عارضه شاید به علت حضور نداشتن خانواده در مجموعه ها است.

۴- خانواده محور تربیت است و دیگر ارکان باید به عنوان کمک کننده وارد عمل شده و او را در امر تربیت یاری کنند. در حال حاضر و در سبک زندگی جدید واسپاری فرزند اتفاق می‌افتد . مجموعه ها و مراکز آنان را به لحاظ فرهنگی و تربیتی تامین می کند باید روی این تفکر کار کرد که مسئولیت تربیت درون خانواده و به عهده پدر و مادر است لذا باید آنان را نسبت به وظایف خود آگاه کرد و توان تربیتی آنان را بالا برد.

۵- حضور خانواده هماهنگ با اهداف مجموعه فرهنگی در جریان فعالیت‌های آن باعث اثربخشی بیشتر آموزه‌های تربیتی می گردد در صورتی که برنامه هایی متناسب برای خانواده به خصوص مادر در نظر گرفته شود فعالیتهای تربیتی نتیجه



بخش خواهد بود. از طرفی حضور خانواده در کنار فرزندان از لحاظ نظارتی با توجه به تفاوت های فرهنگی خانواده ها بسیار اثرگذار است. با توجه به روحیه استقلال طلبی و خودمحموری در سن نوجوانی حضور پررنگ خانواده در کنار نوجوان بعد نظارت و آگاهی از شرایط نوجوان در گروه دوستان را برای خانواده فراهم میسازد.

۶- با توجه به شرایط سنی و بازخورد مثبتی که نوجوان در مجموعه دریافت میکند حضور نداشتن خانواده در کنار او در جریان تربیتی بیرون از خانه باعث میشود نوجوان ارتباط خود با خانواده را کم رنگ و محدود کند و این آسیب بزرگی است. حداقل ارتباط مجموعه با خانواده باید ارتباط گیری مربی با خانواده باشد تا بتواند مجموعه را در جریان شرایط تربیتی و خانواده قرار دهد

۷- هم خانواده و هم محیط در تربیت موثر هستند. مجموعه فرهنگی حکم محیط را دارد و خانواده می تواند فرزند خود را به آنان بسپارد. اما حضور خانواده غیر هماهنگ با اهداف فرهنگی مجموعه باعث ایجاد تنش در روابط و فعالیتهای مجموعه می گردد. عد های از والدین امروزی بنا به دلایل گوناگون، (تلاش برای رفاه بیشتر، شرایط اقتصادی جامعه، و پاره ای مسائل فرهنگی و...) دغدغه تربیت نوجوان طراز انقلابی را ندارند و متقاعد کردن آنها زمان بر است و از آن جهت که نوعا ظهور و بروز ویژگی های فطری در نوجوان چه بسا مشهودتر باشد، اثرپذیری او نیز بیشتر خواهد بود اما



به هر حال اسلام ولایت را به خانواده داده است. و خانواده باید آگاه به شان تربیتی خود گردد.

اکنون باید بدانیم نسبت تعامل بین ارکان با هم چگونه است؟ اگر جایی تعارض به وجود آمد کدام یک باید جوابگو باشد؟ به این موضوع کمتر پرداخته می‌شود چون نگاه شبکه ای ضعیف است. غالباً اجزا مطرح و بررسی می‌شوند ولی به شبکه کمتر توجه می‌شود این شبکه به چهار بخش تقسیم شده است که بخشی از آن در مورد تعامل ارکان با یکدیگر و یک بخش از آن به تعامل سه رکن با متربی است.

این تعامل بر اساس چهار دوره تربیتی تعریف شده است. تکوین هویت درسه دوره اتفاق می‌افتد. در انتهای این سه دوره که زمان و شاخص آن ذکر خواهد شد شخص به یک هویت نسبتاً تکوین یافته میرسد تقریباً شاکله شخصیتی شکل گرفته است و از آنجا به بعد وارد تعالی هویت میشویم.

دوره اول از انعقاد نطفه تا ۷ سالگی (دوره تکوین)

در این دوره هویت متربی توسط خانواده پایه ریزی می‌شود به تدریج حرکت تربیتی خانواده متربی را آماده می‌کند تا به فعالیت های تربیتی موجود در خارج از خانواده وارد شود. در این دوره خانواده موقعیت های تربیتی می‌سازد. هرگاه فرزند آماده مواجهه با موقعیت های تربیتی خارج از خانواده شد می‌توان گفت دوره دوم تکوین هویت شروع شده است.

دوره دوم ۷ تا ۱۴ سالگی



دوره دوم از ابتدای ۷ سالگی تا ۱۴ سالگی است. البته روی سن تاکید نداریم روی شاخص ها تاکید داریم. مثلاً اگر کودکی در ۵ سالگی این آمادگی را پیدا کرد از همان زمان دوره دوم تکوین هویت او آغاز می گردد. انتظار می رود دخترها زودتر به دوره دوم و همچنین دوره سوم خود برسند. از آغاز دوره دوم نهادهای مردمی به عنوان رکن دوم تربیت حضوری جدی و پررنگ خواهند داشت. چرا که مربی نیاز به موقعیت های متفاوت و متعددی دارد که در نظام خانواده امکان پاسخ به آن نیست لذا علاوه بر موقعیت های تربیتی داخل خانواده از نهادهای مردمی هم استفاده میکند.

در ابتدای این ورود خانواده انتخاب های مربی را مدیریت می کند اما به تدریج باید به او کمک کند تا در حدود ۱۴ سالگی صلاحیت نسبی برای انتخاب گری پیدا کند وقتی این صلاحیت ایجاد شد فرد به شاخص دوره سوم تکمیل این هویت رسیده است. در این زمان مربی به صورت آگاهانه و اختیاری شروع به بهره مندی از موقعیت های تربیتی داخل خانواده و نهادهای مردمی می کند.

اینجا نقش خانواده از مدیریت انتخاب های مربی به سمت ناظر و هدایتگر انتخابها می رود. مربی هم باید زمینه های هدایت و نظارت و جلب تایید خانواده را حتماً داشته باشد. هدایت و نظارت به طور محسوس وجود دارد به تدریج خانواده مربی را به این سمت سوق می دهد که تصمیم گیری مستقل انجام دهد وقتی مربی به تصمیم گیری مستقل رسید تکوین



نسبی هویت شکل گرفته و دوره چهارم یعنی دوره تداوم تعالی تربیت آغاز می‌گردد از اینجا به بعد ادامه تعالی هویت را داریم. خانواده در این دوره غیر از موقعیتهای تربیتی خود، نقش مشاور پیدا می‌کند. البته ولایت خانواده در تمام ادوار محفوظ است مثلاً اگر تربیتی به سمتی می‌رود که تصمیم اشتباه بگیرد در صورتی که به ضرر اوست حتی در دوره چهارم نقش اعمال ولایت برای خانواده محفوظ می‌باشد.

برای میزان کمیت ارتباط تربیتی با خانواده در این سه دوره نمی‌توان یک قاعده کلی ذکر کرد. ممکن است ارتباطات کمتر یا بیشتر شود. الزاماً زیاد شدن سن تربیتی به معنای کم شدن رابطه خانواده با او نمی‌شود. کما اینکه مثلاً در دوره چهارم به دلیل انتخاب شغل، رشته یا همسر ممکن است ارتباط بیشتری با خانواده برقرار کند و دائم به خانواده رجوع کند.

تعاملات

- خانواده و حاکمیت اسلامی
 - خانواده و نهادهای مردمی
 - نهادهای مردمی و حاکمیت اسلامی
- خانواده و حاکمیت اسلامی

(۱) توانمند سازی:

خانواده برای ایفای نقش تربیتی خود نیاز به توانمند شدن دارد. وظیفه حاکمیت اسلامی ایجاد این توانمندی



است. حاکمیت به جای تحویل متربی باید خانواده را توانمند کند تا بتواند از مجرای تکوینی خود این اتفاق را رقم بزند و این صلاحیتها را کسب کند.

۲) سوق دادن به سمت اهداف تربیتی:

حاکمیت باید خانواده را به سمت اهداف تربیت جهت دهی کند. البته ابتدا خانواده را توجیه و سپس جهت دهی نماید.

اقدام برای بهبود بسترهای تربیتی:

ایجاد بعضی از بسترهای تربیتی مورد نیاز خانواده از طریق هنجار سازی و سیاست گذاری و قانونگذاری

نظارت و اصلاح عملکرد خانواده: نظارت بر عملکرد خانواده برای تحقق اهداف تربیتی تعریف شده است. این نظارت ناظر بر حق تربیت است.

مفهوم حق تربیت فرد و جامعه:

حق فرد در جامعه بر تربیت به این معنا است که شخص این حق را دارد که هویتی تکوین و تعالی یافته داشته باشد. در این راستا هر سه رکن در جامعه موظف به انجام آن هستند و از طرفی حق جامعه بر تربیت آن است که به افرادی دست یابد که هویتی تکوین و تعالی یافته داشته باشند. لذا حاکمیت باید نسبت به تامین این حق با نظارت خود حساس و اصلاح کننده باشد.



ابزارهای حاکمیتی برای اعمال حق تربیت

۱- جبری

- جبر مستقیم: از طریق قانون مانند گرفتن تکفل از خانواده به دلیل عدم صلاحیت و واسپاری به ارگان یا سازمان مربوطه
- جبر سیستمی: فرآیند سازی مانند اجباری بودن سواد آموزی و خدمت وظیفه که بسیاری از مجوز های بعدی منوط به گذراندن این دوره هاست.

۲- غیر جبری

- از طریق ایجاد هنجار و فرهنگ سازی با ابزاری شبیه رسانه

نقش خانواده در تعامل با حاکمیت

خانواده در این تعامل باید ولایت پذیر و تسهیل گر نقش نظارتی حاکمیت باشد. همچنین با مطالبه گری سعی در کمک به حاکمیت داشته باشد و از آنجا که تعامل وسیعی با مرتبى دارد خدمات توانمند سازی و موضوعات مغفول را مطالبه کرده و خلایق های تربیتی را به حاکمیت بشناساند.

➤ نسبت نهادهای مردمی و خانواده

بهتر است خانواده با ظرفیت نهادهای مردمی توانمند شود. استفاده از این تشکیلات مردمی به نفع خانواده و حاکمیت است .

وظایف نهاد های مردمی نسبت به خانواده

۱. توانمندسازی

۲. سوق دادن به سمت اهداف تربیتی



۳. اقدام برای بهتر کردن بستر های تربیتی در خانواده

۴. اصلاح عملکرد خانواده

۵. تأمین حق بر تربیت البته منهای ورود حاکمیت

وظایف خانواده در تعامل با نهادهای مردمی

۱. شناسایی فعالان مردمی که در راستای اهداف تربیتی هستند و ارتباط با آن ها
۲. مطالبه‌گری
۳. نظارت بر عملکرد
۴. کمک کننده و آگاه کننده در شناخت خلأهای تربیتی

➤ نسبت حاکمیت و نهادهای مردمی

۱. توانمندسازی: حاکمیت اسلامی باید نهادهای تربیتی را نسبت به اهداف تربیتی خود توانمند کند
۲. سازماندهی: بالاتر از هدایت و جهت‌دهی، سازماندهی در راستای اهداف است حاکمیت باید با ایجاد تشکل ها و مرتبط کردن آنها با یکدیگر این وظیفه را انجام دهد.
۳. بستر سازی برای فعالیت های اجتماعی
۴. اصلاح عملکرد نهادهای مردمی
۵. تأمین حق تربیت از طریق به عهده گیری وظایف بر زمین مانده نهادهای مردمی و یا اعمال ولایت حاکمیتی یا غیر حاکمیتی در صورت تخطی از اهداف تعریف شده با نظارت بر عملکرد نهادهای مردمی



وظایف نهاد مردمی در حاکمیت

۱. پذیرش حاکمیت
۲. تسهیلگر در امر سازماندهی
۳. مطالبه گری جهت دریافت خدمات توانمندسازی
۴. رصد عملکرد حاکمیت
۵. راهنمایی و آگاهی دهی به حاکمیت در شناخت خانواده و خدمات تربیتی مورد نیاز از جهت تعامل بیشتر با خانواده

نکات مهم در پاسخ به پرسشها

- ❖ شاخصه های دوره اول تکوین آمادگی برای ورود به نهادهای اجتماعی غیر از خانواده است.
- ❖ نهاد های مردمی در دوره اول تعامل تربیتی با خانواده ندارند اما مواجهه تربیتی دارند از قبیل استعدادیابی محبت های مادر و کودک ایجاد امکانات تسهیل کننده روند تربیت توسط خانواده
- ❖ نهادهای مردمی می توانند خانواده را برای آماده کردن فرزند جهت مبارزه با نظام بیرونی توانمند کنند. حتی می توانند به خانواده کمک کند تا قبل از بارداری با انتخاب درست همسر خوب به نظام تربیتی صحیح نزدیکتر شوند.
- ❖ در اعمال ولایت ساز و کار شرعی وجود دارد اما ساز و کار قانونی ممکن است موجود یا غیر موجود باشد



❖ شخص در پایان دوره سوم که رسیدن به استقلال است تصمیم گیری مستقل می کند لذا در روایت هم داریم دیگر مداخله تربیتی نمی توان برای او داشت

❖ متولی اصلی تربیت یک نفر یا یک نهاد نیست ارکان تربیتی در حالت شبکه ای هر کدام باید نقایص یکدیگر را جبران کند.

❖ متولیان تربیت در قبال تربیت شدن متریبان مسئول هستند لذا اگر هر یک از ارکان هیچ وظیفه ای انجام ندهد مسئولیت تربیتی وجود دارد و دیگران چنانچه در این وظیفه کوتاهی کنند دچار عقاب می شوند پژوهشگران، مبتنی بر مبانی دینی به این نتیجه رسیده اند

❖ در امر تربیت ولایت با خانواده و حاکمیت است نهادهای مردمی در این امر خلافت دارند. هر میزان علم و مهارت تربیتی داشته باشند درجه خلافت شان بیشتر یا کمتر خواهد شد اما به هر حال در قبال حق بر تربیت مسئول هستند.

❖ در حالت ایده آل اگر خانواده وظیفه را درست انجام بدهد که مسئولیت نهاد مردمی منتفی می شود. در این صورت نهاد های مردمی با تدارک موقعیت های تربیتی منجر به رشد بیشتر در هر دوره شده و این گونه کمک کننده خانواده باشد



❖ در مورد تامین حق بر تربیت توسط نهاد مردمی در صورتی که خانواده ابعاد تربیتی خود را بشناسند و توان تربیتی دارد نهاد مردمی مداخله نمی‌کند اما اگر خانواده خود را نشناخت یا همراهی نکرد نهاد مردمی در این زمینه وظیفه دارد.

❖ اگر خانواده در خلاف اهداف تربیتی حاکمیت یا نهادهای مردمی حرکت کند تا جای ممکن باید هدایت و جهت‌دهی شود در غیر این صورت ورود حاکمیتی لازم است با روش‌ها و قالب‌های متنوع باید اجرای اهداف تربیتی را به هر نحو ممکن پیگیری کرد.

"تلنگر"

حرف آخر:

نقش ولی چیست؟

گویا امروزه ولی نقش خود را گم کرده است. یا نسبت به آن نا آگاه است و آن را اصلاً نمی‌شناسد و یا به علت روزمرگی‌ها و گرفتاریهایش نسبت به آن بی تفاوت شده و آن را به فراموشی سپرده است.

اکنون سوال این است که فرزند من چه نقش و تصویری باید از من در ذهنش داشته باشد؟! اگر ما معتقدیم تکوینا حق ولایت بر فرزندانمان را داریم برای این ولایت چه وظایفی برعهده داریم؟ و اصلاً این مدیریت برعهده کیست؟



اگر واقعاً قبول داریم در بیرون از این محیط جنگ است و این جنگ ارتش منظمی دارد ما مانند ارتشی هستیم که باید برای رویارویی با آن جنگ برنامه‌ریزی داشته باشیم. نقش پدر در خانواده مانند فرمانده این جنگ است که باید آرایش نظامی بدهد. اولین نکته این است که مواظب باشیم در شرایط فرهنگی کنونی و این جنگ پیش رو خودمان در شرایط موجود استحاله نشویم سپس باید به نقش و وظایف خود در حیطه ولایت خود آشنا و ملزم شویم.

خانواده تنها محل ارتزاق فرزندان یا ماشین محبت ورزی نسبت به فرزندان نیست. خانواده مهمترین نقش را در تربیت دارد. به خصوص نقش تربیتی پدر در هفت سال دوم زندگی فرزندان بسیار پررنگ و عمیق است. پدر رکن تربیتی و مادر بازوی اجرایی است. اگر بخواهیم مثال بزنیم مانند نسبت مغز و اعضا و جوارح بدن است. مغز نقش پدر را دارد و مادر مانند جوارح بدن در اجرای دستورات آن باید بکوشد.

اگر کودک این نقش پدر و مادری را در زندگی خود درک نکند و نفهمد، در آینده هم در زندگی خود نقش همسری و مادری را نمی‌تواند به خوبی درک و اجرا کند. این آسیب امروزه بسیار جدی است حتی در زمان جنگ تحمیلی هم این آسیب اینقدر پر رنگ نبود. پدران گرچه زمان زیادی را در خانه و کنار خانواده نبودند اما در همان مدت کم حضور خود، حضوری پر کیفیت داشتند که همسران و فرزندان نقش ولایتی آنها را درک کرده و از آن بهره می‌بردند و تعدادی از



فرزندان شهدا با همان حضور کم پدران دارای استغنائی تربیتی هستند.

عده‌ای معنای ولایت را حضور مداوم و پررنگ پدرمیدانند ولی لازم است بدانیم زمانگذاری و حضور فیزیکی یکی از پارامترهای ولایت است مهمترین نکته احساس حضور پدر در شوون تربیتی توسط فرزندان است.

استاد طاهرزاده می فرمایند پدری که برای فرزند خود نقشه ولایت را جاری کند، فرزند او نقش ولی الهی و امام زمان را در ذهن خود می فهمد.

با لقلقه های زبانی نمی توان ادعای ولایت پذیری و ولایت مداری داشت. پایه اول این ولایتمداری باید در خانه گذاشته شود. شکر نعمت فرزند اینست که وظیفه خود را نسبت به او انجام دهیم. این اعتقاد ما است که باید پای آن بایستیم .

تصور کنید روزی بشنویم قرار است فرزند ما مورد آسیب جسمی مثلاً تصادف واقع شود واقعاً چه می کنیم چه اقداماتی برای او انجام می دهیم؟ امروز حمله دشمن به فرزند ما صد در صد است و احتمال زمین خوردن فرزند ما بسیار زیاد است.

حداقل نقش پدر این است که نسبت به مدیر و افرادی که قرار است فرزندش را در مدرسه یا نهادهای تربیتی به آنها بسپارد شناخت داشته باشد. نسبت به آنها نظر مثبت داشته باشد .

به نظر میرسد لازم است خانواده‌ها این سوالات را از خود پرسیده و در نزد وجدان خود به آنها پاسخگو باشند:

اشاره های متن :



- (۱) آیا معتقدیم فرزندانمان هدیه های الهی هستند که نسبت به آنها مسئول هستیم و آیا معتقدیم که در فردای قیامت از نقش ولایتی ما فارغ از صالح یا فاجر شدن فرزند ما سوال می پرسند؟
- (۲) این اعمال ولایت را برای خود در چه حد قبول داریم؟
- (۳) این ولایت و مدیریت قابل تفویض و واسپاری هست؟
- (۴) این تفویض و واسپاری چه حدود و تعاریفی دارد؟



مجموعه فرهنگی و تعامل با خانواده